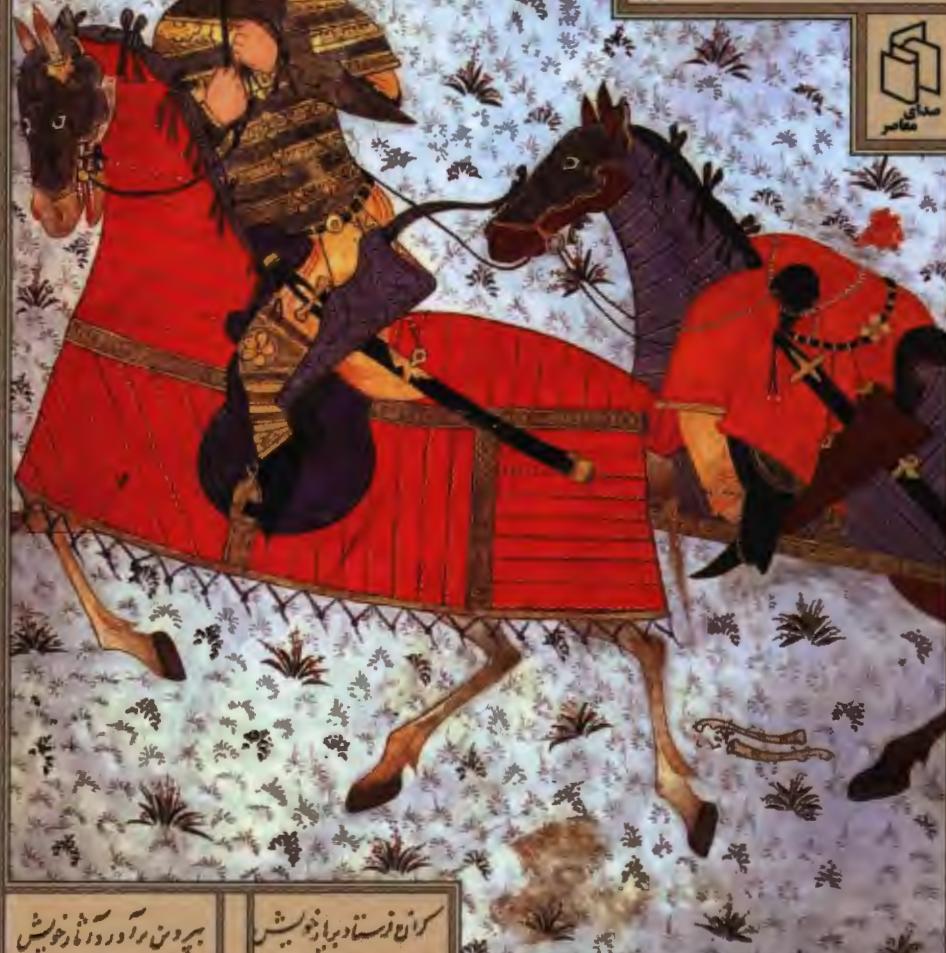


خوشان بوشان نمودن
سرم بار خفن بچشم زبان

در جستجوی شاہنامه فردوسی

(برگزیده چندگفتار درباره شاهنامه)

نگارش: محمود متقالچی



کران فرستاد بیان نمیش
بپر دین را آورده اند خویش

درجستوجوی شاہنامه فردوسی

(برگزیده چندگفتار دربارہ شاہنامه)

نگارش
محمود متقالچی



سرشناسه:
عنوان و نام پدیدآور:
مشخصات نشر:
مشخصات ظاهری:
شایعه:
وضعیت فهرست‌نویسی:

متقالچی، محمود، ۱۳۲۶—
در جستجوی شاهنامه فردوسی / نگارش محمود متقالچی.
تهران: صدای معاصر، ۱۳۹۷.
۱۲۹ ص.

978-964-6494-96-1



فنا

فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹—۹۴۱۶ ق. شاهنامه — نسخه‌های خطی
Ferdowsi, Abolqasem, Shahnameh — Manuscripts
فردوسی، ابوالقاسم؛ Shahnameh — Manuscripts
فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹—۹۴۱۶، شاهنامه — تقدیم و تفسیر —
Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh — Criticism and interpretation

.Manuscripts — Catalogs

فهرست‌ها — Catalogs

PIR ۴۴۹۵ / م ۲۲ د ۲ ۱۳۹۷

۸۰۱ / ۲۱

۵۱۴۸۹۵۲

ردیبندی کنگره:

ردیبندی دیوبی:

شماره کتابشناسی ملی:



- ◆ نام کتاب ◆ در جستجوی شاهنامه فردوسی
- ◆ نویسنده ◆ محمود متقالچی
- ◆ نوبت چاپ ◆ نخست، ۱۳۹۷
- ◆ شمارگان ◆ ۵۰۰ جلد
- ◆ لغتگرافی ◆ صدف
- ◆ چاپ ◆ مهارت
- ◆ صحافی ◆ فرد
- ◆ شایعه ◆ ۱-۹۷۸-۹۶۴-۶۴۹۴-۹۶-۱
- ◆ ISBN ◆ 978-964-6494-96-1
- ◆ قیمت ◆ ۲۰۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است.

دفتر نشر: اقلاب، خیابان دوازده فروردین، خیابان وحید نظری، شماره ۱۱۲
تلفن ۰۲۶۷۸۷۵۲

فروشگاه مرکزی: فلکه دوم تهرانپارس، خ. جشنواره، شماره ۲۲۹

تلفن ۰۲۶۸-۷۷۷۳۱۶۱۱

پایگاه اینترنتی: www.sedayemoaser.com

فهرست گفتارها

۷	یادداشت
۹	پیشگفتار نویسنده
۱۵	پیشگفتار، استاد محمد روشن

الف. برخی نسخه‌های دستنویس شاهنامه

۱۹	۱. از هلاکو تا تیمور و کهن ترین نسخه‌های دستنویس شاهنامه
۲۳	۲. شاهنامه فردوسی؛ نسخه دستنویس پادشاه مغول تبار ایران
۴۷	۳. شاهنامه، نسخه دستنویس ابراهیم سلطان
۵۳	۴. شاهنامه فردوسی، نسخه دستنویس محمد جوکی
۶۱	۵. شاهنامه لاهیجان و سبک نگارگری ترکمن شیراز
۷۵	۶. نسخه‌ای دستنویس از شاهنامه با سبک نگارگری چین هندوستان

ب. بررسی چند کتاب درباره شاهنامه

۹۱	۷. قهرمانان زن ایرانی، به روایت شاهنامه فردوسی
۹۵	۸. شاهنامه پژوه ناشناخته
۱۰۵	۹. شاهنامه پژوهی و سیاست
۱۱۷	۱۰. باورها و آیین‌های زرتشتی در شاهنامه
۱۲۷	۱۱. شاهنامه کارکیا

یادداشت

آنچه در پیش رو دارید کتابی است دربرگیرنده مجموعه مقالات دوست دانشورم آقای محمود متقالچی که در طی سالیان سال از سر لطف افتخار انتشار آنها را در مجله بخارا داده بودند. همان طور که در شرح احوال کوتاهی با نویسنده مقالات آشنا خواهید شد، ملاحظه خواهید کرد که ایشان در یک رشته کاملاً علمی و تخصصی تحصیلات عالیه خود را به اتمام رساندند اما از همان نوجوانی در محیط خانوادگی مسئله فرهنگ و کتاب و کتابخوانی سکه رایج بوده است و پایه عشق به تحصیل و مطالعه، بهویژه به فرهنگ ایران، از همان دوران در محیط خانوادگی در ایشان نهادینه شده است. علاقه وافر آقای متقالچی به فرهنگ و ادبیات سرزمین آبا و اجدادی اش باعث شده که حتی در سال‌های دوری از ایران دست از مطالعه و تحقیق برندارد و «شاہنامه فردوسی» سرلوحة یکی از اصلی‌ترین علاوه ایشان در طول چندین دهه بوده است. آقای متقالچی به عنوان یک پژوهشگر آگاه موفق شده است ضمن آشنایی و دوستی با استاد فرانسیس ریشارد، استاد فرانسوی ایرانشناس، به نسخه‌های متعددی از شاهنامه برای پژوهش‌های خود دست یابد که تاکنون معرفی نشده بوده، یا اینکه آنچنان که باید شناختی از آنان وجود نداشته است.

حاصل نخستین کوشش‌های نویسنده این کتاب در امر پژوهش درباره شاهنامه و دیگر فعالیت ایشان را در شرحی که پس از این یادداشت می‌آید به قلم شیوای نویسنده خواهید خواند.

اینک آقای محمود متقالچی در دهه هفتم زندگانی، سومین کتاب از مجموعه

مطالعات و پژوهش‌های شاهنامه‌شناسی خود را در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌دهد. ما، در مجله بخارا، پس از چاپ هر مقاله ایشان با پیام‌های تشویق‌آمیز دوستداران فرهنگ ملی و شاهنامه فردوسی قرار می‌گرفیم. بدیهی است حاصل مطالعات چندین ساله آقای متقالچی که با دقت و وسوسای علمی و پژوهشی خاصی به نگارش درآمده از منابع مهم شاهنامه‌پژوهان ایرانی و خارجی قرار خواهد گرفت و نویسنده به نیت اصلی خود که خدمت به زبان فارسی و قله درخشان آن شاهنامه فردوسی رسیده است.

علی دهباشی

۱۳۹۶

پیشگفتار نویسنده

در شهریور ۱۳۲۶ در رشت زاده شدم. دوران کودکی و دانش آموزی را در همان جا گذراندم. سپس به تهران رفتم و پس از چهار سال دانش‌اندوزی، دانشنامه کارشناسی ام را در رشتۀ شیمی از دانشگاه ملی ایران دریافت کردم. با پایان دوران سربازی برای ادامه دانش‌اندوزی به انگلستان رفتم و پس از سه سال پژوهش در رشتۀ شیمی کوانتم^۱ با دریافت گواهی‌نامه ام‌فیل^۲ از کالج پادشاهی^۳ دانشگاه لندن به تهران بازگشتم و در مرکز تحقیقات هسته‌ای سازمان انرژی اتمی ایران سرگرم کار شدم. پژوهش‌هایم در آن زمان درباره اسپرس راکتورهای هسته‌ای^۴ و محاسبه چگونگی کاهش پرتوهای رادیواکتیو در نیروگاه‌های هسته‌ای بود. این پژوهش‌ها در راستای سیاست‌گذاری انرژی^۵ دولت وقت ایران بود که براساس آن می‌بایست کم‌وبیش نیمی از تولید نیرو در سال‌های دهه ۱۳۹۰ از راه انرژی هسته‌ای به دست آید. این گزینش برای کشوری همچون ایران که دارای انباشت سرشار نفت و گاز طبیعی است برای من و برخی از همکارانم پرسش برانگیز

1. Quantum Chemistry ۲۷

از آنجا که مکانیک کلاسیک که گاهی مکانیک نیوتون نیز نامیده شده و با کاربرد آن می‌توان پدیده‌های فیزیکی را بررسی و پیش‌بینی نمود، نمی‌توانست پاسخگوی چگونگی پدیده‌های اتمی و زیراتومی باشد، دانشمندان فیزیک هسته‌ای دهه‌های نخست سده بیستم را بر آن داشت تا مکانیک تازه‌ای که با پاری آن بتوانند این پدیده‌ها را بررسی کنند پایه‌گذاری نمایند و آن را مکانیک کوانتم نامیدند. کاربرد مکانیک کوانتم در شیمی هسته‌ای برای محاسبه انرژی ذرات اتمی و زیراتومی را شیمی کوانتم می‌نامند.

2. M. Phil

3. Kings College

4. Reactor Shielding

5. Energy Policy

بود. از این‌رو در کنار پژوهش‌های بنیادی هسته‌ای به بررسی و پژوهش در سیاست‌گذاری انرژی نیز دل بستم. در سال ۱۳۵۶ از سوی سازمان برای ادامه پژوهش در رشته اسپرشن راکتورهای هسته‌ای در مرکز تحقیقات اوک ریچ^۱ رهسپار امریکا شدم. در آنجا نه تنها با بزرگان این رشته در مهندسی هسته‌ای، همچنین با پژوهشگران سیاست‌گذاری انرژی نیز همکاری نمودم و آگاهی‌هایی درباره زمینه‌های فنی، زیست محیطی، ایمنی و اقتصادی تولید نیرو از انرژی‌های فسیلی، هسته‌ای و بازیافتی^۲ به دست آوردم. پس از انقلاب به تهران برگشتم و پیشه‌ام را در مرکز تحقیقات هسته‌ای ادامه دادم. در سال ۱۳۵۹ کتابی به نام «انرژی، ما و امریکا» نوشت و در تهران چاپ و پخش کردم. به گمانم این نخستین کتاب درباره انرژی و در پیوند با سیاست‌گذاری انرژی است که در ایران به زبان فارسی چاپ گردید. در سال ۱۳۶۳ از سازمان انرژی اتمی ایران کناره‌گیری کردم و به هشت سال پژوهش درباره انرژی که دستاورده آن چاپ یک کتاب و چند مقاله پژوهشی در پژوهش‌نامه‌های تخصصی امریکا بود پایان دادم.

سپس کارم را در بخش خصوصی در پیوند با انرژی‌های فسیلی ادامه دادم. صنعت کاوش، حفاری، بهره‌برداری، انتقال و پالایش و پخش نفت و فرآورده‌های نفتی به فن‌آوری پیشرفت و انتقال آن از برخی کشورهای صنعتی دارنده این فن‌آوری به ایران نیاز داشت. این پروسه از همکاری برخی از شرکت‌های اروپایی با صنعت نفت و گاز ایران انجام‌پذیر بود. پس از چند سال کار در این رشته در سال ۱۳۶۹ به همراه همسر و فرزندانم به فرانسه کوچ کردم. در پاریس نیز همکاری با چند شرکت اروپایی که در همین زمینه کار می‌کردند را تا زمان بازنیستگی ام ادامه دادم. با این یادآوری کوتاه از دوران دانش‌آنдоزی و زمینه‌های پژوهش در دانشگاه و سپس در دوران کارم خواستم بگویم که شاهنامه‌پژوهی پیشه‌ام نبوده است و در این راه من یک پژوهشگر آماتور^۳ هستم. ولی همچنان که خواهم گفت، در درازای زندگی در کنار پیشه‌ام، همیشه با شاهنامه و بررسی و کندوکاو پژوهش‌های شاهنامه‌پژوهان زیسته‌ام.

کتاب خواندن و خوگرفتن به آن را از دوران دبیرستان و با تشویق خواهر بزرگ آغاز کردم. با خواندن رمان‌های نویسنده‌گان روسی، فرانسوی و انگلیسی اندکی با ادبیات اروپا

آشنایی پیدا کردم. شناختم از ادبیات فارسی بیش از آنچه که در دبیرستان آموختم نبود. به فردوسی و شاهنامه بیش از آفرینش‌های ادبی دیگر شاعران زبان فارسی دل‌بسته بودم. در دوران دانشجویی پسندم در گزینش کتاب دگرگون شد و جدا از فردوسی و شاهنامه به کتاب‌های تاریخی و اسطوره‌ای ایران نیز دل بستم. استاد ابراهیم پورداد و دکتر بهرام فرهوشی نویسنده‌گان برگزیده‌ام بودند و در آن دوران بیشتر مقاله‌ها و کتاب‌هایی که درباره فردوسی و حماسه ملی ایران به دست پژوهشگران نگاشته می‌شد و بهویژه نوشه‌های دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن را با دلستگی می‌خواندم و موشکافی می‌کردم. نگارش و بررسی نوشه‌های شاهنامه‌پژوهان اروپایی و امریکایی در دوران دانشجویی‌ام در لندن، روزگار پژوهشی‌ام در امریکا و اقامتم در پاریس فراهم و میسر شد.

یکی از رویدادهای خوب زندگی فرهنگی‌ام آشنایی با فرانسیس ریشارد^۱ در پاریس بود. او یکی از سرشناس‌ترین کارشناسان نسخه‌های دستنویس فارسی، عربی و ترکی در دنیا است. من به ارزشمندی پیرایش و ویرایش نسخه‌های دستنویس کهن فارسی و چاپ آن‌ها در گفت‌وگوهایی که با دوست و استادم دکتر محمد روشن پیش از مهاجرتم به فرانسه داشتم، آگاه شده بودم. جستار و گفت‌وگو درباره نسخه‌های دستنویس زبان فارسی و بهویژه نسخه‌های دستنویس شاهنامه با فرانسیس ریشارد آموزنده و دریچه تازه‌ای به رویم گشود. دلستگی و اشتیاقی که کتابخانه‌ها و موزه‌های بزرگ اروپا و آمریکا در به‌دست‌آوردن و نگهداری این نسخه‌های کهن از خود نشان می‌دهند برایم شگفت‌آور بود. کم و بیش همه نسخه‌های دستنویس شاهنامه و بیشتر کتاب‌های فارسی که پس از سده ۱۵ میلادی نوشته شده، آراسته به نگاره هستند. از این‌رو نه تنها استادان و پژوهشگران زبان فارسی چه بسا استادان و پژوهشگران تاریخ هنر نگارگری ایران نیز شیفتۀ نسخه‌های کهن زبان فارسی هستند و از بررسی نگاره‌های آن‌ها به چگونگی پیشرفت و والا یی هنر نگارگری ایران از سده‌های میانه تا سده ۱۹ میلادی پی می‌برند. در شناخت و بررسی نسخه‌های دستنویس کهن شاهنامه ما نه تنها وامدار برخی از شاهنامه‌پژوهان، چه بسا شماری از پژوهشگران و استادان تاریخ نگارگری ایران نیز

هستیم. این پیوند زمینه‌های پژوهشی استادان تاریخ هنر نگارگری ایران و شاهنامه‌پژوهان برای من تازه و چشم‌گیر بود. از این‌رو در مقاله‌هایی که سپس‌تر درباره برخی از دستنویس‌های کهن شاهنامه نوشتم اندکی به سبک نگارگری آن دوره ایران نیز پرداختم.

در دوران اقامتم در پاریس به کمبود کتاب درباره شاهنامه به زبان فرانسه پی بردم. همچنان‌که می‌دانیم ژول مول^۱ نخستین شاهنامه‌پژوه اروپایی بود که تمام شاهنامه را بدون کم‌وکاست، در سده ۱۹ میلادی به زبان فرانسه برگرداند و در پاریس چاپ نمود. در سال ۱۹۲۴ یک ناشر فرانسوی بخش‌هایی از این کتاب را به‌نام «کتاب فریدون و منوچهر پادشاهان ایران» برگرفته از شاهنامه^۲ در یک کتاب جداگانه در پاریس چاپ نمود. کتاب «فردوسی و حماسه ملی»^۳ که به‌دست هائزی ماسه^۴ ایران‌شناس فرانسوی که در سال ۱۹۳۵ در پاریس چاپ شد یکی از بهترین پژوهش‌ها درباره فردوسی و شاهنامه است که هنوز شاهنامه‌پژوهان از آن بهره می‌برند. چاپ بخش‌هایی از برگردان ژول مول به‌دست ایران‌شناس فرانسوی، ژیلبرت لازار^۵، در اندازه جیبی در سال ۱۹۷۹ گام پویا و پایداری در شناساندن شاهنامه به فرانسوی‌ها بود. در سال ۲۰۰۱ برگردان تازه‌ای از بخش‌های اسطوره‌ای و قهرمانی شاهنامه به‌دست خانم فیروزه برلیان-جهانشاهی انجام گرفت و با نام «تاریخ افسانه‌ای پادشاهان ایران»^۶ در پاریس چاپ شد. از بررسی این کتاب‌ها چنین پنداشتم که برای آشنایی نوجوانان و توده‌های مردم فرانسه با حماسه ملی ایران کار زیادی انجام نگرفته و از این‌رو بر آن شدم تا آنچه را که در درازای زندگی‌ام درباره شاهنامه آموخته بودم به کار گیرم و کتابی ساده و کوتاه درباره شاهنامه به زبان فرانسه برای این گروه از فرانسویان و بهویژه جوانان ایرانی که در فرانسه بزرگ شده‌اند بنویسم. این اندیشه را با دوستم فرانسیس ریشارد در میان گذاشت. او هم در پی چاپ گزارشی از نسخه‌های دستنویش شاهنامه کتابخانه ملی فرانسه بود. از این‌رو بر آن شدیم تا کتابی که در برگیرنده نوشتار من درباره شاهنامه و پژوهش ایشان

1. Jules Moli

2. Le Livre de Feridun et manouchehr rois de perse appres le shahnameh

3. Firdousi et l'époppe national

4. Henri Masse

5. Gilbert Lazard

6. Histoire legendaire de rois de perse.

دریارة نسخه‌های دستنویس در کتابخانه ملی فرانسه باشد را چاپ نماییم. این کتاب با نام «شاہنامه فردوسی و دستنویس‌های آن در کتابخانه ملی فرانسه»^۱ در سال ۲۰۰۹ میلادی در پاریس چاپ شد. در همان سال کتاب پژوهشی دیگری دریارة شاهنامه نوشته پاتریک رینگن برگ^۲ پژوهشگر سوئیسی به نام «پیشگفتاری دریارة شاهنامه فردوسی»^۳ در پاریس به چاپ رسید.

آشنایی من با آقای علی دهباشی نیز یکی دیگر از رویدادهای خوب زندگی فرهنگی من است. من ایشان را پس از انتشار ماهنامه کلک که در سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۷ در تهران چاپ می‌شد شناختم. پس از آن او بخارا را منتشر کرد و من همیشه مشترک این ماهنامه ارزنده بودم. در سال‌های دهه ۱۳۸۰ او چند بار برای سخنرانی به پاریس آمد و من ایشان را از نزدیک شناختم. پس از انتشار کتابیم در پاریس او پیشنهاد کرد که گاه‌گاهی مقاله‌هایی دریارة شاهنامه برای چاپ در بخارا به ایشان بدهم. از آن سال کم و بیش سالی یک مقاله برای ایشان می‌فرستم و او با سخاوت آنها را در بخارا به چاپ می‌رساند.

چاپ کتابی که دربرگیرنده نوشه‌هایم در بخارا باشد را نخست استاد محمد روشن به من پیشنهاد کرد. این موضوع را با آقای علی دهباشی در میان گذاشت و ایشان نیز مرا بدین کار دلگرم کرد. از این روبر آن شدم تا در آستانه ۷۰ سالگی ام سومین و آخرین کتابم که مجموعه‌ای از نوشه‌هایم دریارة شاهنامه است و در درازای هشت سال گذشته در مجله بخارا چاپ شد را در کتابی به نام «در جست‌وجوی شاهنامه فردوسی» در تهران چاپ کنم.

یازده گفتارم را برای چاپ در این کتاب برگزیدم و آنها را در دو بخش جداگانه آورده‌ام. بخش نخست دربرگیرنده شش نوشتار دریارة نسخه‌های دستنویس شاهنامه است که تنها چهارتای آنها بعنای «از هلاکو تا تیمور کهنه‌ترین نسخه‌های دستنویس شاهنامه»، «شاہنامه فردوسی نسخه دستنویس پادشاه مغول تبار ایران»، «شاہنامه لاهیجان و سبک نگارگری ترکمن شیراز» و همچنین، «نسخه‌ای دستنویس از شاهنامه با

1. Le livre des rois, la celebre epopee Iranienne d'apres les manuscrits de la bibliotheque nationale france.

2. Patrick Ringgenberg

3. une interduction au livre de rois (shahnameh) de ferdowsi.

سبک نگارگری جین^۱ هندوستان از نوشه‌های پژوهشی من است. دو مقاله دیگر این بخش و همچنین چهار نوشتار بخش دوم کتاب برای شناساندن برخی از کتاب‌هایی که درباره فردوسی و شاهنامه در اروپا، امریکا و یک مورد هم در رشت چاپ شده نوشته شده است. من بر این باورم که ویرایش و پیرایش شاهنامه با بررسی کهنه‌ترین نسخه‌های دستنویس به جامانده از آن برترین و بیشترین ارزش را در میان بخش‌های گوناگون شاهنامه‌پژوهی دارد و از ^{آن} راه می‌توان امیدوار بود سرانجام به نزدیک‌ترین متن به آنچه که فردوسی سروده بود دست یافت، از این رو نام «در جست‌وجوی شاهنامه فردوسی» را برای این کتاب برگزیدم.

من ساده‌نویسی را در نوشه‌هایم برگزیده‌ام و می‌کوشم تا آن‌چه را که می‌خواهم بیان کنم به زیان ساده، کوتاه و بدون حاشیه‌پردازی بنویسم. روش مقاله‌نویسی علمی که در مقاله‌های پژوهشی علوم و مهندسی رواست را در نوشه‌های پژوهشی ام به کار می‌گیرم. در این روش آنچه که پژوهشگران پیشتر نوشته و پذیرفته شده است را تنها با نامبردن نویسنده، تاریخ و جای انتشار بسند کرده‌ام و بازگویی و گزارش بیشتری داده نمی‌شود. در استفاده از واژه‌ها کمی وسواس دارم. اگر برای هر واژه با ریشه عربی برابر فارسی آن را بدانم بر می‌گزینم و گرنم همان واژه فارسی با ریشه عربی را به کار می‌گیرم. در نوشه‌هایم تاریخ‌های خورشیدی و میلادی را به کار می‌برم و بر این باورم که درک و شناخت ما از زمان‌های گذشته با به کارگیری تاریخ میلادی بیش از تاریخ هجری قمری است.

از دوستان خوبم آقایان محمد روشن و علی دهباشی و همچنین از خانم بهناز منجمی که در جمع‌آوری این مقاله‌ها مرا باری دادند سپاسگزارم. از کوشش‌های آقای محسن محمدی سرپرست انتشارات صدای معاصر، در چاپ این کتاب نیز قدردانی می‌نمایم.
پاریس، زمستان ۱۳۹۶

پیشگفتار

استاد محمد روشن



حکیم ابوالقاسم فردوسی شاعر و حمامه‌سرای بزرگ ایرانی – زاده ۳۲۹ ه. ق و درگذشته ۴۱۶ یا ۴۱۷ ه. ق، بی‌گمان از شمار بزرگ‌ترین حمامه‌سرایان ایران و جهان است. فردوسی زاده فاز یا باز شهر طوس است. وی از دهگانان طوس بود و چنانکه می‌دانیم دهگانان – دهاقین – از طبقه فرهیختگان و دانشوران جامعه خود، و حافظان سنت‌ها و روایت‌های تاریخ و فرهنگ و موزخان و پژوهندگان روزگار خود بودند.

حکیم فرزانه ما، این شاعر چیره‌دست توانا در حدود سال ۳۶۵ ه. ق سرودن شاهنامه را آغاز کرد، و پیداست که از خداینامک‌ها و سیرالملوک‌ها و روایت‌های شفاهی که در دسترس وی بود چون «شاهنامه» منتشر که به فرمان ابو منصور محمد بن عبد الرزاق طوسی – فرمانروای طوس – گردآوری شده بود، و شاهنامه ابوالمؤید بلخی، و دفترهایی بسان «اخبار آغش و هادان» (پهلوان روزگار کیخسرو) و کی‌شکن – برادرزاده کاووس و گرشاسب و خبرهای پهلوانی‌های نریمان و سام و کی‌قیاد و افراسیاب (شخص هراسناک) بهره گرفت.

در اینجا رواست از شاعری چیره‌دست، از شاعران روزگار سامانی یاد کنیم، و او ابو منصور محمد بن احمد دقیقی است که بر آیین زرتشتی بوده و به دست غلام

خود در حدود ۳۶۷-۳۶۹ ه. ق کشته شد. او ستایشگر شهریاران سامانی و امیران جغانی بود. قصاید و غزل‌ها و قطعات بازمانده از او، دلیل چیرگی واستادی وی در شاعری است. از دقیقی منظومه‌ای به نام «گشتاسپ‌نامه» بازمانده است که در برگیرنده پادشاهی گشتاسپ و ظهور زرتشت و جنگ دینی میان گشتاسپ و ارجاسب تورانی است. شایان پژوهش‌پردازی است که ارجاسب تورانی در جنگ وستیز با ایرانیان به دست اسفندیار، پسر رویین تن نامدار گشتاسپ، شهریار کیانی کشته گردید.

موضوع شاهنامه فردوسی گویای تاریخ اساطیری و داستان‌های ملی ایران باستان از آغاز تمدن نزد ایرانی تا فروپاشی حکومت ایرانی به دست تازیان است. این بخش از تاریخ ایران در برگیرنده سه دوره متفاوت است:

۱. دوران اساطیری از روزگار طهمورث که از سلسله پیشدادیان می‌شناسیم، و وی لقب «دیوبند» داشت تا به روزگار فرمانروایی فریدون. ۲. دوره پهلوانی از قیام کاوه آهنگر که به یاری مردم بر ضحاک مازدویش پدرگش بشورید، و پیشیند چرمین خود را بسان رایت و درفش برافراشت – که از آن پس درفش کاویانی خوانده شده – این واژه در یستاد است: گزارش استادپور داود، به صورت Gauš-drafša آمده است – پس مردم فریدون را به شهریاری نشاندند، و او عدل و داد پیشه کرد، و ضحاک را به کوه دماوند بر تخته سنگی بازیست.

۲. دوره تاریخی: از اسکندر مقدونی و سفرها و جهانگشاپی‌های او یاد می‌شود که سرانجام به ایران تاخت و داریوش سوم را به سال ۳۳۵ پیش از میلاد، شکست داد. نکته‌ای که در شاهنامه فردوسی شایان توجه و بررسی است، عدم عنایت آن شاعر بزرگ به بخش زندگانی و شهریاری سلسله اشکانیان است که با وجود نزدیک پانصد سال سلطنت و کشورداری، از آنان در ۲۳ سطر یاد می‌شود! سپس آن، داستان ساسان بابک می‌آید و به گشادگی از تاریخ و سرگذشت ساسانیان سخن می‌رود، و پس از گفتار «اندر مولود نوشیروان عادل» فصلی مستقل از «داستان مزدک

با قیاد» می‌آید که در آن از رای و اندیشه مزدک سخن می‌رود:
 چنان دان که کسری نه بر دین است... یکی خط دستش بباید ستد - که
 سربازگر داند از راو بد - ببیچاند از راستی پنج چیز - که دانا بر این پنج نفوذ نیز -
 کجا رشك و کین است و خشم و نیاز - به پنجم که گردد بر او چیره آز - تو چون
 چیره باشی بر این پنج دیو - پدید آیدت راه گیهان خدیو - از این پنج ما رازن و
 خواسته است - که دین بهی در جهان کاسته است - زن و خواسته باشد اندر میان -
 چو دین بهی رانخواهی زیان - که زین دو بود رشك و آز و نیاز - که با خشم و کین
 اندر آید به راز - همی دیو پیچد سر بخردان - بباید نهاد این دو اندر میان.

در «شاهنامه پژوهی» در تاریخ و ادب کهن مردم سرزمین ما جز عشق و شیفتگی
 توده مردم که عموماً در قهقهه خانه‌ها گرد می‌آمدند و از انفاس گرم شاهنامه خوان‌ها و
 قصه‌سرايان که روایت‌های شفاهی را بازمی‌گفتند، بهره‌وری می‌یافتد، هنوز
 کم و بیش آثاری باز می‌یابیم.

ناگفته نباید گذاشت که در ایران به شهریور ماه ۱۳۱۳ کنگره‌ای از خاورشناسان و
 دانشمندان کشورهای مختلف جهان در تهران تشکیل گردید. سپس مهمانان با
 همراهی رضا شاه به مشهد - طوس - رفتند و آرامگاه حمام سرای نامی فردوسی
 را در ۲۰ مهرماه همان سال بگشودند؛ و متنی از شاهنامه فردوسی به کوشش
 استادان شادروان مجتبی مینوی و سعید نفیسی در ۹ مجلد از سوی کتابخانه
 بروخیم منتشر گردید - در این زمینه باید اذعان کرد خاورشناسانی ایران دوست که
 به اساطیر داستان‌های ملی ایرانی عشق می‌ورزیدند چون لمسدن، ژنر ماکان و ژول
 مل به نشر متنی علمی از شاهنامه فردوسی پرداختند، و ژول مل افزون بر متن
 فارسی، ترجمه‌ای از متن شاهنامه به زبان فرانسوی پرداخت، و ایرانشناس تا مور
 شودور نولدکه - ۱۸۳۶ - ۱۹۳۰ م - در کتابی مستقل با نام «حمسه ملی ایران» از
 فردوسی و شاهنامه» وی گفت و گو کرد. محمد روشن و مهدی قریب به سال ۱۳۷۴